

مطالعه کیفی الگوی ابراز هویت ایرانیان و عراقی‌ها در آئین پیاده‌روی اربعین

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۰۸

غلامرضا تاج بخش^۱

محمد رضا حسینی^۲

انتصار موسوی^۳

چکیده

زیارت و سفرهای زیارتی داخلی و خارجی در ایران یکی از فعالیت‌های مذهبی بوده و استقبال زیادی از آن شده است. زیارت پیاده‌روی اربعین یکی از اشکال نوظهور سفر زیارتی است که پیش از این ایرانیان توجه زیادی به آن نداشته‌اند؛ آئین پیاده‌روی اربعین بستر یک تجربه دینی زیارتی متفاوت است که در آن تمام طول مسیر پیاده‌روی مصداق تجربه زیارت امام حسین (ع) است. آئینی که در آن از ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف در یک تعامل و ارتباطات بین‌فرهنگی قرار می‌گیرند. این نحوه تعامل بین‌فرهنگی در عین حال دربردارنده شناختی از نحوه ابراز هویت ایرانی و عراقی در بستر این مشارکت دینی خاص در ایام اربعین خواهد بود. در پژوهش حاضر، با اتکاء به رویکرد کیفی و از طریق تحلیل مضمون تجربه زیسته زائران سعی بر آن شده که الگوهای ابراز هویت زائران ایرانی و عراقی مورد بررسی قرار گیرد. جامعه آماری تحقیق حاضر زائران زن و مرد ایرانی و عراقی بوده‌اند که در مسیر نجف و کربلا و همچنین دو شهر نجف و کربلا به‌عنوان مبدأ و مقصد حضور یافته‌اند و تعداد ۳۰ نفر نمونه به روش هدف‌مند انتخاب شده‌اند. در گردآوری داده‌ها، از روش‌های مصاحبه و مشاهده مشارکتی استفاده شده است. پس از تحلیل داده‌های کیفی سه مضمون اصلی شناسایی شد که عبارت‌اند از: ۱. هویت ملی، ۲. هویت شیعی و ۳. هویت اربعینی. همچنین عوامل مؤثر بر الگوهای ابراز هویت عبارت بودند از: ۱. متغیرهای زمینه‌ای و ۲. قدرت.

واژگان کلیدی: تحلیل مضمون، پیاده‌روی اربعین، هویت اربعینی

۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (نویسنده مسئول).

tajbaksh_gr@yahoo.com

mrho_59@yahoo.com

۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی .

EntesarMosavi16@gmail.com

۳ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه

مراسم با شکوه اربعین حسینی در کربلای معلی با هوشمندی و رهبری داهیانۀ ائمه اطهار به یک سنت جاوید و میراث ماندگار در صیانت و انتقال پیام نهضت بزرگ عاشورا بدل شده است. این میراث ارزشمند با مجاهدت علمای بزرگی چون فقیه بزرگ و نواندیش آیت‌الله‌العظمی شیخ انصاری و مرحوم بزرگوار محدث نوری و بزرگان‌اندیشان فقاہت و معارف اهل بیت به‌عنوان یک سرمایۀ ارزشمند اجتماعی و عامل هویت‌بخشی و انسجام و اقتدار پیروان اهل بیت به ودیعت به ما رسیده است (توکلی، ۱۳۹۵). برخلاف مشهور، جابر بن عبدالله انصاری و عطیه کوفی، اولین مسافران زیارت حرم حسینی نبودند، پیش از او، حسن مثنی برادرزادۀ ارشد امام حسین (ع) و فاطمه بنت الحسین (ع) زائران مرقد سیدالشهدا (ع) بودند. حسن مثنی از معدود فرزندان بازماندۀ امام حسن (ع) به همراه فاطمه بنت الحسین (ع)، جزو اولین کسانی بودند که پس از مداوا به کربلا آمدند و به زیارت قبر امام پرداختند. بی‌شک در این میان، علاوه بر اهالی قبیله بنی‌اسد، قبیله حبیب بن مظاهر نیز زودتر از جابر و حسن مثنی به زیارت قبر آمدند. در هر صورت، ثبت روایی و تاریخی زیارت جابر بن عبدالله انصاری و اهمیت سفر او و نام‌آوری‌اش باعث شده که اولین زیارت که در اربعین شهادت امام حسین (ع) واقع شد، به نام جابر در تاریخ ثبت شد. اگرچه زیارت قبر امام حسین (ع) در روز اربعین توسط جابر بن عبدالله انصاری مرسوم شد، اما بنیانگذار پیاده‌روی دسته جمعی در اربعین حسینی، مرحوم شیخ انصاری متوفی سال ۱۲۸۱ ه ق بود که چنین حرکتی را به‌عنوان رسم و نمادی برای شیعیان معرفی کرد. کربلا آخرین نقطه مفروض برخورد با حاکمیت جائر است. کربلا صحنه بیشترین ظلم قابل تصور در عقل شیطانی، در برخورد با یک جریان اعتراضی علیه حاکمیت جائر است. کربلا همیشه نقطه اجتماع گروه‌ها و مجموعه‌های سیاسی معترض و انقلابی و هم‌قسم شدن آنها بوده است، از قیام توأبیین تا قیام مختار و زید بن علی و ده‌ها قیام دیگر که راه خود را راه امام حسین (ع) اعلام کردند. بر همین اساس، اجتماع بر سر قبر سیدالشهدا (ع) و زیارت امام ممنوع و با آن برخورد می‌شد. عبدالملک مروان، حجاج بن یوسف ثقفی اموی، منصور دوانیقی، متوکل عباسی از جمله حاکمانی بوده‌اند که با مسئله عزاداری سیدالشهدا و زیارت مرقد ایشان به ستیز برخاستند و افراد بسیاری را نیز در این راه به شهادت رساندند. سخت‌گیری حاکمان علیه عزاداری برای حضرت حسین (ع) تبدیل به نقطه تقابل علیه تشیع شده بود و وجدان عمومی

شیعی به ایستادن در برابر این اراده خطرناک شکل گرفت، در این میانه، زیارت اربعین بر سر قبر آن حضرت معنایی جداگانه پیدا کرد و تبدیل به نشانه ویژه جامعه شیعیان شد. از سویی دیگر، امامان شیعه با هوشمندی هرگز نگذاشتند این نور پر فروغ به خاموشی و سردی بگراید. برای پاس داشتن و زنده نگه‌داشتن آن به انشا و آموزش زیارت که در فرهنگ شیعه به منزله تجدید عهد و پیمان با مزور است مبادرت ورزیدند. این جهاد فرهنگی از سوی امامان شیعه که از نیمه اول قرن دوم هجری توسط امام جعفر صادق (ع) احیا شده بود، عامل اصلی در ایجاد این جریان و فرهنگ‌سازی برای استمرار نهضت عاشورا گردید. از این رو، زیارت اربعین جزو سنت‌های آئینی شیعیان شد. در عصر عباسیان، که با سیطره اصحاب جبر به همراه حاکمیت اقوامی که چندان با گذشت اسلامی آشنا نبودند، سخت‌گیری بر اعمال شیعیان به صورت سازمان‌یافته و حکومتی ادامه یافت تا اینکه آل بویه به سال ۳۵۵ بر بغداد مسلط شدند. عصر آل بویه عصر تنفس برای شیعیان در احیای عزاداری برای امام حسین (ع) و استمرار جریان آئینی عاشورا بود. با حاکمیت سلجوقیان، دوباره سیاست سرکوب ضد شیعی حاکم شد و تا روی کار آمدن مغولان امتداد پیدا کرد. در این دوره، تصویری از برگزاری مراسم اربعین در دست نیست، ولی اساساً این جریان برچیده نشد و همچنان به عنوان یک آئین صحیح شیعی حفظ شد. در دوره عثمانی، اگرچه شیعیان در آسایش نبودند، اما مخالفت شدیدی با مسئله عزاداری‌ها نبود، چه اینکه دولت ایران هم در شرایط مختلف به نفع شیعیان ورود می‌کرد و در مجموع هجده قرارداد ارضی و مرزی که بین دولت‌های ایران و عثمانی منعقد شد، یکی از موضوعاتی که در همه قراردادها مورد اشاره بوده، مسئله آزادی و آسایش عزاداران و زائران عتبات عالیات بوده است. سقوط دولت عثمانی، منتهی به ظهور دولت‌های جدیدی در خاورمیانه شد. دولت‌هایی که به لحاظ سلوک مذهبی دچار آشفتگی‌های فکری مختلف بودند. طیفی آنگلو فیل و از جنگ جهانی دوم ناسیونالیست‌های افراطی معارض اسلام و اسلام‌گرایی به قدرت رسیدند، لذا در عراق، ملک فیصل و نوری سعید پاشا (آنگلو فیل‌های حاکم بر عراق) در ظاهر، از طرف حوزه‌های دینی مخالفت نداشتند. با کودتای بعثی‌ها در عراق و ضدیت آنها با اسلام و اعلام فتوای آیت‌الله العظمی حکیم مبنی بر خروج بعثی‌ها از اسلام، سخت‌گیری‌های حکومت بعث بر شیعیان تشدید شد. صدام حسین، به بهانه‌های مختلف کسانی را که تصور می‌کرد با او هماهنگ نیستند یا مخالف هستند، سر به نیست می‌نمود و از هر رویه‌ای برای سرکوب استفاده می‌کرد.

وجود جمع زیادی در عراق نیز به وخامت وضعیت امنیتی شیعیان بیشتر دامن می‌زد. دولت عراق حسب عرف و سنت برجای مانده سلاطین عثمانی در مناطق مرزی ایران که سیاست مداوم تجاوز ارضی را در پیش داشتند، همان سیاست را پی گرفتند؛ لذا ایرانی‌ها و به تبع آن شیعیان در این میانه گرفتار شرایط سخت‌تری شدند. آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، این شرایط را سخت‌تر کرد و ایرانی‌های مقیم عراق اخراج شدند. الگوهای مختلف عزاداری جامعه شیعیان نیز هدف دولت بعثی قرار گرفت، لذا مراسم اربعین که در این دوره به صورت کم‌رنگ و در حاشیه‌ها برگزار می‌شد و تجمع شیعیان در کربلا در هر اربعین اتفاق می‌افتاد، این بار توسط صدام حسین به شدت مورد منع و مخالفت قرار گرفت و ارتش حزب بعث و سازمان اطلاعاتی آن، شیعیان را در این مسیر شناسایی و سرکوب می‌کردند. تقریباً طی سی سال حکومت صدام، مراسم راهپیمایی اربعین به طور رسمی در عراق برگزار نشد. جنایات صدام در منطقه خاورمیانه به اندازه‌ای شد که آمریکا و غرب هم نتوانستند حضور او را در منطقه تحمل کند. صدام حسین را در جنگ دوم خلیج فارس، سرنگون و زندانی کردند و به خاطر جنایت کشتار مردم روستای دجله عراق محکوم به اعدام شد. با اعدام صدام و آرام‌تر شدن اوضاع عراق، جریان‌های مختلف فرصت ظهور و بروز مجدد یافتند و حرکت عمومی شیعیان عراق، ایران، لبنان، قتیف و احساء (در عربستان)، پاکستان، افغانستان، اروپا، آمریکا و... برای زیارت حضرت سیدالشهدا (ع) موج جدیدی را در جهان اسلام به دنبال آورد. اکنون چندسالی است که با اعدام صدام حسین، زیارت اربعین آشکار شده است. زیارتی که آرام‌آرام هویت جدید شیعه را در عراق و خاورمیانه و سپس جهان رقم می‌زند. هویتی که روح شیعه در آن تجلی پیدا می‌کند. این هویت در حال شکل‌گیری، بدون دخالت دولت‌ها و دست پنهان و پیدای آنها، بدون حضور شرکت‌های فراملیتی اقتصادی، فرهنگی و امنیتی و به دور از هرگونه منفعت‌گرایی سیاسی و اقتصادی است. از این رو، حرکت هویتی بسیار مهم و تاریخی است که قطعاً تاریخ نمونه آن را ندیده است و هیچ بدیل و عدیلی هم ندارد. این اتفاق بسیار بزرگ که عظیم‌ترین اجتماع بشری در طول تاریخ بوده و هست، زیرا چنین اجتماعی در طول تاریخ بشریت و در هیچ جای دنیا سابقه نداشته و ندارد. این اجتماع عظیم در حال شکل دادن به هویتی جدید و متفاوت است که در میان سخت‌ترین شرایط سیاسی و امنیتی، بزرگ‌ترین و فشرده‌ترین تجمع انسانی را گرد هم می‌آورد؛ اربعین اگر چه در تاریخ تشیع در عراق و ایران ریشه‌ای عمیق داشته و دارد، پس از سال‌ها

سرکوب شدید در عصر حکومت بعث، که اجازه برگزاری اربعین را نمی‌داد و عملیات سرکوبی به بی‌رحمانه‌ترین شکل انجام می‌گرفت، اکنون و پس از سقوط آن حکومت سفاک، که بیش‌ترین صدمه را به پیروان امام حسین (ع) در ایران و عراق زد، دوباره عزاداری اربعین، با حرکت مردم از اطراف و اکناف به امید همراهی و هم‌دلی با حضرت زینب (س) در عزای سیدالشهدا به راه می‌افتند (توکلی، ۱۳۹۵). آئین پیاده‌روی اربعین تجربه دینی زیارتی متفاوتی است که در آن تمام طول مسیر پیاده‌روی مصداق تجربه زیارت امام حسین (ع) است. آئینی که در آن از ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف در یک تعامل و ارتباطات بین‌فرهنگی قرار می‌گیرند. این نحوه تعامل بین‌فرهنگی دو ملت عراق و ایران در میدان اربعین حاصل می‌آید که در عین حال در بردارنده شناختی از نحوه ابراز هویت ایرانی و عراقی در بستر این مشارکت دینی خاص در ایام اربعین خواهد بود. در این میان، مواجهه بین دو فرهنگ ایرانی و عراقی با توجه به سابقه جنگ هشت ساله بین دو کشور و این که ایرانیان بیشترین جمعیت میهمان در این آیین در مقابل اکثریت قابل ملاحظه عراقی میزبان هستند. نحوه ابراز هویت در بستر حضور در آئین پیاده‌روی اربعین اهمیت زیادی دارد. بنابراین مسئله تحقیق حاضر این است که اساساً زائران ایرانی و عراقی در طول این مسیر پیاده‌روی هویت خود را چگونه و با چه الگویی ابراز می‌نمایند؟

اهداف پژوهش

در آئین پیاده‌روی اربعین، ایرانی‌ها با جمعیتی به مراتب کمتر از عراقی‌ها، در واقع میهمان کشوری هستند که مردم آن، خود دوشادوش زائران سایر کشورها به‌خصوص ایران، در همین مسیر، تا کربلا را پیاده طی می‌کنند و به زیارت امام حسین (ع) می‌روند. بنابراین هدف از این پژوهش بررسی نحوه ابراز هویت زائران دو کشور که یکی میزبان و دیگری میهمان آن است می‌باشد.

سؤالات پژوهش

- ۱) الگوهای هویت ابرازشده از پیاده‌روی اربعین توسط زائران چگونه الگوهایی هستند و به‌عبارت دیگر، مؤلفه‌های الگوهای هویت ابراز شده توسط زائران ایرانی و عراقی چه مؤلفه‌هایی هستند؟
- ۲) چه عواملی بر الگوهای ابراز هویت زائران در پیاده‌روی اربعین تأثیرگذارند و چگونه این تأثیرات را می‌گذارند؟

پیشینه تحقیق

موسوی و همکارانش (۱۳۹۵) در پژوهشی پیمایشی به این نتایج دست یافته‌اند (۱) تأثیر پیاده‌روی اربعین بر روی نگرش اخلاقی به زندگی مادی بر تربیت نسل ارزشی در کشور نقش مؤثری داشته است. (۲) پیاده‌روی اربعین بر رویکرد مطالعه و آموزش مذهبی عمیق‌تر بر تربیت نسل ارزشی در کشور نقش مؤثری داشته است. (۳) پیاده‌روی اربعین بر روی کاهش انحرافات اجتماعی بر تربیت نسل ارزشی نقش مؤثری داشته است. (۴) پیاده‌روی اربعین بر روی تلاش و کوشش به منظور جهاد فی سبیل‌الله (علمی، ایدئولوژیکی، مادی و ...) بر تربیت نسل ارزشی نقش مؤثری داشته است. (۵) پیاده‌روی اربعین بر استکبارستیزی و حق‌طلبی بر تربیت نسل ارزشی نقش مؤثری داشته است. ایمان و روحانی (۱۳۹۲) با انجام پژوهشی پیمایشی تحت عنوان «هویت اسلامی و هویت‌های رقیب (هویت جهانی، ملی و قومی)» در میان ۴۳۱ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز، به این نتیجه دست یافتند که رابطه معنادار مثبتی میان هویت اسلامی و هویت ملی و قومی و یک رابطه معنادار منفی میان متغیر هویت اسلامی و هویت جهانی وجود داشته است. یافته‌های حاصل از رگرسیون چندمتغیره نیز نشان‌دهنده این واقعیت بوده است که متغیرهای هویت ملی و هویت جهانی در مجموع ۴۵ درصد از تغییرات متغیر هویت اسلامی را تبیین کرده‌اند. نتایج تحقیق آنها همچنین حاکی از آن است که هویت ملی و هویت قوم، هویت اسلامی را تقویت می‌کنند و رابطه مثبتی به این دارند و در واقع هویت رقیبی برای هویت اسلامی محسوب نمی‌شوند، اما هویت جهانی برای هویت اسلامی رقیب به‌شمار می‌رود و رابطه منفی با آن دارد.

یوسفی و همکاران (۱۳۹۱) ضمن تحلیل پدیدارشناختی تجارب زیارتی شش زائر در مشهد، به روش نمونه‌گیری هدفمند، دریافتند که مناسک زیارت، عقیده به تقدس، عقیده به شفاعت، دلدادگی، خضوع، توسل‌جویی، مناجات و آرامش از موضوعات مرکزی معنای زیارت است که بر حسب اشتراک معنا به سه مقوله کلی آداب‌مندی زیارت، عقیده به خارق‌العادگی زیارت‌شونده و جذبیه تقسیم می‌شود. همچنین به این نتیجه رسیدند که هر سه مقوله معنایی مذکور در همه تجارب زیارتی مشارکت‌کنندگان وجود دارد و این اشتراک نشان‌دهنده پدیدار اجتماعی زیارت است. درمقابل، وجه تفریدی زیارت به میزان رعایت آداب زیارت ادراک خارق‌العادگی

زیارت‌شونده و میزان جذب و پیوستگی به او مربوط است. پژوهشی نیز توسط دکتر چلبی در سال ۱۳۸۰، با همکاری دکتر یوسفی انجام شده است. چلبی احساس هویت ملی و احساس تعهد ملی را از هم تفکیک کرده است. از دیدگاه او، احساس هویت ملی به معنی احساس وفاداری و تعلق خاطر به اجتماع ملی مثل احساس سربلندی و افتخار نسبت به نمادهایی همچون زبان فارسی، دین اسلام، آداب و مناسک ملی، مفاخر فرهنگی کشور، مردم و دولت ملی تعریف گردیده و احساس تعلق ملی به معنی احساس وظیفه و پاسداری از اجتماع ملی مثل احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت کشور و حمایت از تاریخ و فرهنگ ایرانی تلقی شده است (یوسفی، ۱۳۸۳: ۹۹). وی گویه‌های سیزده‌گانه‌ای را برای سنجش هویت ملی مورد آزمون قرار داده که پس از تحلیل عاملی سه بعد ذیل را استخراج کرده است: ۱) بعد اول: تعلق خاطر مشترک (افتخار به پرچم ملی، تعلق به سرزمین، افتخار به سرود ملی، زبان فارسی و احساس غرور ملی). ۲) بعد دوم: وفاداری مشترک (علاقه به وطن، علاقه به مردم، علاقه به دولت ملی، افتخار به دین). ۳) بعد سوم: میراث مشترک فرهنگی و تاریخی (میراث و مفاخر فرهنگی، اعیاد و مناسک مذهبی).

همان‌طور که از مرور برخی پیشینه‌های پژوهشی مرتبط با موضوع پیداست تحقیقات بسیاری در زمینه هویت و یا هویت ملی انجام گرفته است اما در زمینه هویت دینی تحقیقات اندکی صورت گرفته است که ر تحقیق حاضر با بررسی موضوعی خاص همچون پیاده‌روی اربعین به دنبال آن بوده‌ایم تا الگوهای ابراز هویت کنشگران را در یک بستر دینی بررسی نماییم.

رویکردهای نظری تحقیق

تعریف مفاهیم

هویت

بیشتر روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت، هویت را در درجه نخست، امری فردی و شخصی می‌دانند و معتقدند، هویت عبارت است از احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی (جاکسون، ۱۹۹۸، ۹) می‌باشد. به عقیده جنکینز، هویت عبارت است از نیازهای روانی انسانی و پیش‌نیاز هرگونه زندگی اجتماعی است. اگر محورهای

زندگی اجتماعی را برقراری ارتباط پایدار و معنادار با دیگران بدانیم، هویت اجتماعی چنین امکاناتی را فراهم می‌سازد. هویت اجتماعی نه تنها ارتباط اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد، بلکه به زندگی افراد هم معنا می‌بخشد. معناساز بودن هویت بر ساختگی بودن آن دلالت می‌کند. معنا خاصیت ذاتی واژه‌ها و اشیا نیست، بلکه همیشه نتیجه توافقی یا عدم توافق است (جنکینز، ۱۳۸۱، ۵). بنابراین هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی و احساسات و اندیشه‌های مربوط به آنها که فرد آنها را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و یافتن تصوّراتی از خود به دست می‌آورد و در جواب سؤال «من کیستم» ارائه می‌دهد.

هویت جمعی

هویت به این معنی است که من چگونه خود و چگونه دیگران را می‌بینم. پس هویت شامل دو بعد درونی و برونی می‌شود. در واقع، به وسیله اجتماع تعریف می‌شود و به وسیله دیگران تشخیص داده می‌شود، نه فقط به وسیله من (همان). هویت با مشابهت و تفاوت مشخص می‌شود. شباهت با کسانی که مثل ما هستند و تفاوت از کسانی که مانند ما نیستند (Woodward, 2000: 7). فرد از طریق سمبل‌ها و نمادهای آشکار (مثل لباس یا زبان) و نمادهای پنهان متوجه شباهت و تفاوت‌های خود با سایرین می‌شود. در اینجا، تفاوت مفهومی رابطه‌ای است و در رابطه با غیر یا چیزهای دیگر، تعریف می‌شود. تفاوت‌ها اغلب در برابر مخالفان، اغیار و در شرایط نابرابر فهمیده و درک می‌شود (Ibid: 33). به نقل از حاجی‌تانی). همچنین باید تأکید داشت که هویت در رابطه با محل و مکان تعریف می‌شود.

هویت ملی

هویت جمعی می‌تواند به مراجع مختلف (مکان‌ها، سرزمین‌ها، طبقات، گروه‌های سنی، جنسی، معلولیت و...) منسوب و مربوط شود، اما یکی از مهم‌ترین انواع یا ارجاعات یا منابع هویت جمعی یا هویت اجتماعی، ملت است که موجب طرح مفهوم ملیت و هویت ملی می‌شود. از نظر تامپسون، مفهوم اساسی در هویت ملی «احساس تعلق» به یک «ملت» است. در واقع، مردم همواره می‌خواهند بخشی از ملت خودشان باشند و بدان وسیله شناسایی شوند (Thompson, 2001: 21). هویت ملی نوعی احساس تعلق به ملتی خاص دانست. ملتی که نمادها، سنت‌ها،

مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان تاریخی و فرهنگ و سرزمین معین دارد. هویت ملی یعنی احساس تعلق به گروهی فرهنگی (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۹۴). میلر به تفکیک هویت شخصی و هویت ملی توجه داشته است. هویت شخصی شامل چیزهایی است که فرد برای خودش انجام دهد و به گزینش‌هایی نظر دارد که واقعاً برای او ارزشمند است. او اعتقاد دارد که هویت شخص کاملاً گزینشی و هویت ملی غیرقابل گزینش است (میلر، ۴۹).

هویت دینی

موضوع هویت مذهبی و الگوی آن در ارتباط با هر دینی متفاوت است (Duane, 2006: 535). چراکه هویت مذهبی به‌شدت به ماهیت و تاریخ ادیان، تاریخ جنبش‌های مذهبی و نوع عقاید دینی مربوط می‌شود. بنابراین در اندازه‌گیری هویت مذهبی در هر دین خاص، باید به ترجیحات دینی، نوع طبقه‌بندی فرقه‌ها، و ارزش‌ها و نگرش‌های مذهبی هرکدام توجه کرد. هویت دینی به‌عنوان نظام بهم‌پیوسته و متشکل از باورها و اعمال در ارتباط با مقدسات است که می‌توان عامل پیوند بین اعضای یک جامعه شود. به‌خصوص موقعیت اخیر که رشد فزاینده توسعه و نوسازی جهان متجدد را آشفته ساخته است؛ مذهب می‌تواند هویت‌بخش و معنا دهنده باشد به‌عنوان منبع اولیه معنابخشی و هویت‌بخشی برای بسیاری از مردم دنیا باشد. زیرا مذهب در همه اعصار هویت‌بخش بوده است؛ بدین معنا که هویت انسان‌ها با مذهب و دین آنها شناخته می‌شد (اشرفی، ۱۳۷۷، ۹). براساس نظریه هویت اجتماعی تاجفل هویت دینی عبارت است از تعریف شخص از خود براساس داشتن تعلق نسبت به دینی خاص به همراه ملاحظات ارزشی و احساسات مرتبط با آن وضعیت است (تاجفل، ۱۹۶۷، ۶۳، به نقل از یگانه).

هویت فراملی

وجه دیگر هویت مدرن را می‌توان هویت فراملی‌گرایانه یا جهان‌وطن‌گرایی یا هویت جهانی دانست که به معنی گرایش به تعدد و هم‌زیستی فرهنگ‌ها در درون تجربه فردی از یک سو و اهمیت قائل شدن برای ارزش‌های جهانی و نهادهای بین‌المللی از سوی دیگر است. درواقع، اعتقاد به زیست‌بوم کره زمین، جهانی فکر کردن، اشتیاق به هم‌زیستی و تعامل با سایر ملل،

پذیرش اقتدار و مقررات و نهادهای بین‌المللی، تأکید بر توافقات جهانی و اعتقاد به وجود مشکلات جهانی، از مختصات هویت بین‌المللی گرایانه است (حاجیان، ۱۳۸۸، ۴۷۵).

هویت ترکیبی

مفهوم ترکیبی بودن در علوم اجتماعی اصولاً بر آفرینش پویای فرهنگ‌های مختلف اشاره دارد و در واقع به معنی ترکیب فرهنگ‌های مختلف ناشی از مهاجرت، سنت‌های قدیم و جدید و/یا فرهنگ مدرن (یا استعماری) می‌باشد. این اصطلاح را برای نخستین بار، بابا در ۱۹۶۸ مطرح کرد که به معنی کنش فعالانه برای تلفیق ارزش‌ها و فرهنگ‌های مختلف بود (کوهن، ۱۳۷۹). این موضوع زمانی مطرح می‌شود که افراد در چند گروه هویتی عضویت دارند یا اینکه زمانی مطرح می‌شود که افراد در چند گروه هویتی عضویت دارند یا اینکه چندین جریان هویتی (هویت-بخش) آنها را احاطه کرده است و نیز زمانی که افراد توان و امکان مقایسه چندین گروه را دارند، مطرح می‌شود. مفهوم درهم‌آمیختگی هویت اجتماعی یک سازه یا مفهوم نظریه است و به بیان روابطی می‌پردازد که فرد در هنگام تعلق به چند گروه هویتی مواجه می‌شود و این مفهوم درصدد تعیین درجه هم‌پوشانی ایجاد شده بین گروه‌هایی است که یک شخص به‌طور هم‌زمان عضو آنهاست.

رویکردهای نظری

کارکردگرایان جامعه را شبکه سازمان‌یافته‌ای از گروه‌های در حال تعاون و همکاری تصور می‌کنند که اعضای آن از قوانین و ارزش‌های مشترکی تبعیت می‌کنند. آنان جامعه را به صورت کل مرگب از اجزا می‌دانند که در بقای آن، همه اجزا سهم هستند. اگرچه ممکن است هم اجزا و هم کل تغییر یابد اما عموماً تغییر تدریجی است و پس از تغییر، جامعه دوباره به حالت تعادل برمی‌گردد (جمشیدی‌ها و همکاران، ۱۳۸۶). دورکیم از دو نوع وجدان نام می‌برد که یکی وجدان عمومی و دیگری وجدان فردی است. گرچه وجدان فردی پدیده‌ای که منحصر به فرد است، اما جنبه بین‌ذهنی دارد و از این رو با وجدان جمعی و عمومی دارای پیوند تنگاتنگ است. دورکیم معتقد است، در جامعه پیش‌صنعتی، بنابر وجود همانندی و مشابهت، نظم اجتماعی مبتنی بر تقویت وجدان جمعی است و افراد زیر سلطه آن قرار دارند و از این رو، در جمع تحلیل

می‌روند و فنا می‌پذیرند. به عبارتی «من» در اینجا تحت‌الشعاع «ما» قرار می‌گیرد، که این «ما» معرف هویت جمعی است. از این رو، در اینجا وجدان از نوع اول حاکم است. اما در جامعه صنعتی، بنا بر تفاوت‌پذیری‌های ناشی از تقسیم‌کار و تخصص‌گرایی، جز یا فرد، از کل یا جمع، متفاوت و متمایز شود و هویت فردی اهمیت می‌یابد، دورکیم معتقد است در اینجا باید به جای تأکید بر تشابه‌پذیری و همانندی در احساسات و افکار مشترک و تحلیل بردن وجدان‌های فردی در وجدان جمعی، بر همبستگی بین‌گروهی و تعهدات متقابل حرفه‌ای یا مذهب مدنی تأکید شود (عبدلهی، ۱۳۷۶، ۶۶). به اعتقاد دورکیم آئین‌های (مراسم) دینی بر خلاف کنش‌های اقتصادی که در آن مردم به صورت جداگانه زندگی می‌کنند و به اهداف اجتماعی یا فردی خود مشغول هستند، با برقراری نوعی روابط عاطفی مثبت سبب انسجام و یکپارچگی بین شرکت‌کنندگان می‌شود. به خصوص در ایام برگزاری این مراسم، گروه‌ها و افراد در کنار هم به گونه‌های دیگر از اوقات معمولی خویش دست به کنش‌های واحدی می‌زنند و خود را از دیگران بازنمی‌شناسند. این اعتقادات، باورها و گرایش‌ها در هنگام برگزاری مراسم، وحدت و علاقمندی و یکدلی را بین شرکت‌کنندگان فراهم می‌سازد. همبستگی و یگانگی که از طریق همانندی در احساسات و تبعیت از نظام‌های ارزشی واحد صورت می‌گیرد، می‌تواند کنشگران را به هم متصل سازد. از سوی دیگر، از آنجاکه سنن و آداب دینی در مراسم مذهبی با گریه‌ها و عزاداری‌های جمعی و با شورآفرینی‌های خاصی همراه است، کنشگران با این عمل مذهبی نوعی احساس تطهیر و نزدیکی به خدا می‌کنند. این امر سبب نوعی کامیابی و نشاط برای کنشگران عزادار می‌شود (جمشیدیها و قبادی، ۱۳۸۶). پارسونز نیز معتقد است که کنش اجتماعی تحت‌تأثیر چهار خرده نظام شکل می‌گیرد که یکی از آنها نهاد دینی است. نهاد دینی مسئولیت ثبات اخلاقی را به عهده دارد و از ارزش‌های فرهنگ عمومی مراقبت می‌کند. با توجه به مراتب سیبرنتیکی پارسونز، خرده‌نظام فرهنگی، که نهاد دینی جزء بسیار مهم از این خرده نظام است، سبب نظارت، کنترل، الگویابی و جامعه‌پذیری در نظام شخصیتی می‌شود. نظام شخصیتی از قواعد، هنجارها و الگوهای تبعیت می‌کنند که از طریق نظام فرهنگی عرضه می‌شود و نظام الگودار فرهنگی که مراسم دینی عنصر مهمی از آن می‌باشد، به لحاظ برخورداری از ارزش‌ها و هنجارهای عام دینی چون ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، آزادگی، یاری دادن به مظلوم، مودت، ایثار

و دیانت و با برانگیختن احساس و عاطفه انسانی، ضمن برقراری تعامل و تجمیع افراد و گروه-ها، سبب نوعی جامعه‌پذیری در بعد پیوند بین نسل‌ها شده و موجبات توالی، استمرار و انتقال فرهنگی را از نسلی به نسل دیگر را فراهم می‌سازد (همان).

ریچارد جنکینز بر این باور است که امر یگانه فردی و مشترک جمعی را می‌توان چنان فهم کرد که مشابه یکدیگر باشند. هرچند هویت فردی بر تفاوت‌ها و هویت جمعی بر شباهت‌ها تأکید دارد. وی معتقد است که هویت اجتماعی از هویت فردی جدا نیست. افراد بیگانه و متفاوت هستند، اما خویشتن به‌طور کامل در اجتماع ساخته می‌شود؛ یعنی در فرایندهای اجتماعی شدن اولیه و در فرایند جاری تعامل اجتماعی است که در چارچوب آنها افراد در طول عمرشان خود و دیگران را تعریف و باز تعریف می‌کنند. خود در عمل و هم‌زمان از تعریف خود (درونی) و در تعریف خود که دیگران عرضه می‌کنند (برونی) حاصل می‌شود. دیالکتیک بیرونی و درونی فرایندی است که به واسطه آنها همه هویت‌ها اعم از فردی و اجتماعی ترکیب می‌یابند (جنکینز، ۱۳۸۱، ۳۵).

از نظر استرایکر، افراد به تعداد گروه‌هایی که با آنها کنش متقابل دارند، دارای «خود» هستند. بنابراین استرایکر «خود» را مجموعه‌ای متشکل از هویت‌های مجزا تعریف می‌کند. این هویت‌ها هر یک معرف پایگاهی دورنی شده‌اند که در تعامل اجتماعی ادعا و تأیید گردیده‌اند و منجر به دسته‌بندی‌های اجتماعی خاصی از اشخاصی می‌گردند که در هر جامعه‌ای یافت می‌شوند. هویت‌ها تا آنجا وجود دارند که اشخاصی در روابط اجتماعی ساخت‌یافته مشارکت دارند. آنها نیاز دارند که وصف پایگاهی‌شان در روابط اجتماعی خاص، توسط افراد ذیربط به‌حساب آورده شود و در سلسله‌مراتبی از برجستگی قرار دارند و این سلسله‌مراتب شیوه‌ای است که بدان شیوه خود سازمان می‌یابد، فرض معقولی می‌تواند باشد. بر این منوال، برجستگی هویت برای یک شخص به‌خصوص را می‌توان احتمال اینکه یک هویت خاص در موقعیت‌های متنوع مورد استفاده قرار بگیرد تعریف نمود (Stryker, 1968: 558). اسمیت لوین نیز در مفهومی دیگر به نام «هویت مخلوط» معتقد است پردازش موازی و احساسات مخلوط بر اثر هویت‌های چندگانه هم‌زمان، بر نوع عمل و احساس فرد و هویت شخصی، اجتماعی و نمادین وی تأثیرگذار است

(Smith-Lovin, 2001) وان دیجک^۱ بر این باور است که قدرت سیاسی و رسانه فرایند القا رویکردهای خود را با راهکار مشخص‌سازی (یا نامشخص‌سازی) انجام می‌دهند که این فرایند خود از دو طریق یا زیر شاخه یعنی نام‌دهی و هویت‌دهی انجام می‌شود. مخاطبان یا شرکت‌کنندگان می‌توانند براساس هویت منحصر به فرد خود و با ذکر نام (نام‌دهی یا نام‌گذاری) یا براساس هویت مشترکی که با سایرین دارند، هویت‌دهی یا بازنمایی شوند. قدرت سیاسی با به‌کارگیری راه‌کارهایی همچون اقناع یا دستکاری در زبان، بر عقاید و افکار دیگران تأثیر می‌گذارد (وندایک، ۲۰۰۲). ساخت زبانی رسانه‌های گروهی تحت‌تأثیر فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و روابط قدرت در جامعه است. چون زبان رسانه خنثی نیست، رسانه‌ها با گزینش مطالب، ساخت‌های ایدئولوژیکی را ایجاد می‌نمایند و طبقه‌بندی‌هایی را در جامعه میان «ما» و «آنها»، «گروه قومی» و «گروه بیگانه» تولید می‌کنند؛ به گونه‌ای که این صورت‌بندی‌ها را امری طبیعی، بدیهی و قابل پذیرش جلوه می‌دهند و جز ناخودآگاه مردم می‌سازند.

مشخصه مرکزی در تعریف رفتار جمعی، عقیده‌ای است که حاکی از بازسازی یک جز از واکنش اجتماعی است. البته برای آنکه رفتاری جمعی شود، این عقیده بایستی به‌نوعی کنش واداشته شوند. با این وجود، هیچ شکل واحدی از ارتباط یا تعامل نیست که جزء مشخصه‌های تعریفی رفتار جمعی باشد. عقیده ممکن است، به‌وسیله حرکت بدن، علامت، شایعه، چهره‌به‌چهره، رسانه‌های جمعی یا شکل‌گیری یک ایدئولوژی انتقال پذیرد. شکل این انتقال و ارتباط، ممکن است یک مکالمه یا یک ارتباط یک سویه باشد. به‌همین ترتیب، شیوه بسیج مردم برای کنش نیز یکسان نیست. یک مورد، ممکن است از سوی کنش‌گری آغاز شود؛ که صرفاً نمونه‌ای را به‌وجود می‌آورد و قصد ندارد گروهی را به‌سوی کنشی رهبری کند و ممکن است از سوی رهبری آغاز شود که به‌صورت خودجوش سر برآورده است؛ یا ممکن است از سوی سازمان توطئه‌گری طراحی شده باشد. شکل ارتباط و تعامل در تعیین زمان‌بندی، محتوا، اندازه و گستره یک مورد رفتار جمعی بسیار حائز اهمیت است (سمانه خالدی، ۱۳۹۳، به نقل از نیل اسملسر).

رابرت پارک^۲ به‌عنوان واضع این اصطلاح، در اثرش درباره رفتار جمعی، آن را اینگونه توصیف می‌کند: «رفتار جمعی از هر گردهمایی انسانی نشئت می‌گیرد که در آن هر فرد، در اثر

1 J. Van Dijk

2 Robert Ezra Park

خلق یا وضع روحی _ که هر کس در آن سهمی دارد _ و در شکل‌یابی آن شرکت داشته است، به‌سوی عمل یا اندیشه‌ای رانده می‌شود» (سمانه خالدی، ۱۳۹۳، به نقل از گولد جولوس و ویلیام کولب).

خصوصیات رفتار، اساساً اصطلاح رفتار جمعی را جامعه‌شناسان آمریکایی به‌کار می‌برده‌اند؛ اما بعدها توسط روان‌شناسان اجتماعی و دانشمندان علوم‌سیاسی هم به‌کار گرفته شد. این افراد، معتقد بودند که رفتارهای جمعی و گروهی، خصوصیات خاصی دارند که آن را از سایر رفتارها متمایز می‌سازد. این خصوصیات عبارت‌اند از: ۱) مشارکت افراد درگیر؛ این رفتار، مشارکت تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از مردمان را که در فرایندی از تحریک متقابل درگیر شده‌اند، دربرمی‌گیرد. این مردمان به‌سوی گسترش حالات روحی مشترک، انگیزه‌ها و احساساتی سوق داده می‌شوند که آنان را به‌صورت یک جمع، پیوند می‌دهد؛ ۲) موقعیت سیال رفتارها؛ رفتارهای یاد شده در موقعیتی نسبتاً سیال و تعریف نشده، پی‌ریزی شده، شکل یافته یا نمایان می‌شود. در آغاز، بیان و تجلی انگیزه‌ها و احساسات، خود به خودی و هدایت نشده است. اما رفتار جمعی ممکن است، در جهت‌های گوناگون گسترش یافته و شکل گیرد و این امر به چگونگی بسیج انگیزه‌ها و احساسات ابتدایی شرکت‌کنندگان و به فرایندی برهم‌کنشی میان آنها بستگی دارد (همان، ۳). تمایز بین رفتار جمعی و گروهی؛ برخی از جامعه‌شناسان میان رفتار جمعی و رفتار گروهی، تمایز قائل می‌شوند. رفتار گروهی رفتاری متشکل است که اعضای گروه دارای خواست‌های گروهی مشترک بوده و برای رسیدن به آنها، تشکیلاتی را به‌وجود آورده‌اند. اعضا از طریق این تشکیلات می‌توانند با یکدیگر ارتباطی منسجم و طولانی مدت داشته باشند اما رفتار جمعی به دلیل هیجانی بودن، استمرار کمتری دارد. کارکرگرایان معتقدند، مردم در رفتار جمعی، نمی‌توانند عقلانی عمل کنند؛ زیرا دلیل ترس و اضطراب خود را نمی‌دانند و رفتار آنها منشأ مشکل را هدف قرار نداده است. «رفتار غیر عادی می‌تواند تلاشی ناآگاهانه در مسیر حل مشکلاتی به‌شمار آید که نه شناخته و نه تعریف شده‌اند. رفتار جمعی، رفتاری غیرسستی است؛ بدان معنا که چنین رفتاری به‌روشنی تعریف نشده و در چارچوب هنجارهای اجتماعی، تا حدود زیادی تعیین‌کننده و محدودکننده رفتارهای اجتماعی هستند؛ در صورتی که رفتارهای جمعی، چون هیستری،

توده‌ای یا هراس جمعی و... ملاحظات فرهنگی بسیار ناچیز بوده و احتمال بروز ناهنجاری زیاد است» (عضدانلو، ۱۳۸۶).

نیل اسملسر^۱ اشکال رفتار جمعی را شامل هراس، هیجان جمعی (شامل هوس جمعی، رونق تجاری، موقعیت‌سنجی و احیای دینی)، طغیان خصومت‌آمیز، جنبش معطوف به ارزش (شامل انقلاب سیاسی و دینی، شکل‌گیری فرقه‌ها و جنبش‌های ناسیونالیستی و غیره) می‌داند (هرسنی، ۱۳۹۰).

نظریاتی که در این بخش مطرح گشتند در فرایند مفهوم‌سازی و ایجاد مدل مفهومی به محقق کمک می‌نمایند تا بتواند با سنخ‌شناسی مفاهیم و مقولات آنها را در قالب یک مدل بیان نماید. انسان به‌طور انفرادی، حالات تجربی را درون خود می‌آزماید. بنابراین، تجربه امری خصوصی و شخصی است و در این صورت متن تجربه را نمی‌توان به دیگران منتقل کرد. هرگز نمی‌توان یک تجربه را بسته‌بندی کرد و آن را به دیگران عرضه کرد. اما تجربه دینی، همان‌گونه که از عملکرد و همچنین سخنان شلایرماخر استفاده می‌شود، دو هدف اصلی توصیف و دفاع را سرلوحه کار خود قرار داده است: (۱) توصیف: شلایر ماخر درصدد است که توصیفی دقیق از خودآگاهی دینی ارائه دهد. او معتقد است که هم مسیحیان و هم یهودیان سنتی و هم نقّادان دین در عصر روشنگری، در معرفی دین به خطا رفته‌اند. عنصر دینی تمامیت خود را در تجربه دارد و نمی‌تواند در علم یا اخلاق تقلیل داده شود. پس با امور غیردینی (اخلاق و علم) نمی‌توان و نباید به تبیین یک پدیده دینی پرداخت. (۲) دفاع: در دومین هدف که بیشتر نظری و کلامی است، شلایر ماخر امیدوار است که با معرفی دین در شکل اصیل و متمایز، ثابت کند نقدهای نهضت روشنگری بر عقیده دینی، به‌ویژه نقد کانت به متافیزیک نظری را نمی‌توان درباره نمودهای واقعی دین به‌کار برد. دین نوع حس و چشیدن است. دین از مقوله احساس و شهود است. در نتیجه، مناقشه کانت وارد نیست که مدعی شده تجربه ما با مقولات و افکاری که همراه آن است پی‌ریزی می‌شود و جهانی را که به گمان خود و از پشت عینک می‌شناسیم، ایجاد می‌کنیم، نه آنکه آن را به سخن آوریم. دین به‌عنوان احساسی که از همه اندیشه‌ها سبقت گرفته و مستقل از آنهاست، نباید با عقیده یا عمل خلط

شود و هرگز با دستاوردهای دانش جدید یا پیشرفت علم در هر حوزه‌ای نمی‌تواند تعارض داشته باشد. دین لحظه‌ای مستقل در تجربه انسانی است و اساساً در برابر انتقاد عقلی و اخلاقی آسیب‌ناپذیر است (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۹۵).

علاوه بر نظر شلایرماخر در برشمردن ویژگی‌های تجربه دینی، والتر استیس (۱۹۶۷-۱۸۸۶) پدیدارشناسانه از تجربه‌های عرفانی و تمایز نهادن بین تجربه و تعبیر آن تجربه، تلاش دارد تا ناب و خالص از نفس تجربه عرفانی ارائه دهد. به عقیده او گوهر تجربه عرفانی، دارای هفت ویژگی است: ۱. آگاهی وحدانی، وحدت حقیقی، خلأ (عدم)، ۲. بی‌زمان و بی‌مکان بودن، ۳. احساس عینیت یا حقیقت داشتن، ۴. احساس تبرک و تیمن، صبح و صفا و مانند آن، ۵. احساس امر قدسی، حرمت‌دار یا الوهی، ۶. متناقض‌نمایی، ۷. بیان‌ناپذیر بودن (استیس، ۱۳۶۷).

علاوه بر این، رایستز تیتارو سوزوکی (۱۸۷۰-۱۹۶۶)، بودایی‌شناس شهیر و بزرگترین شناساننده آئین (بودیسم) به جهان غرب، ویژگی‌های مشترک ساتوری (بیداری و اشراق و انشراح صدر ناگهانی) را چنین برمی‌شمارد: ۱- غیرعقلانی بودن، ۲- توضیح‌ناپذیری، ۳- ابلاغ‌ناپذیری، ۴- درون‌بینی یا بصیرت، ۵- ثقت، ۶. ایجاب، ۷. احساس عالم بالا، ۸. صبغه غیرشخصی، ۹. احساس اعتلا، ۱۰. لحظه‌ای بودن. البته سوزوکی مدعی نیست که امور یادشده ویژگی مشترک همه تجارب عرفانی است. موضوع سخن او تجربه‌های عرفانی است که در حوزه آئین بودا «ساتوری» نامیده می‌شود (همان).

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق کیفی و شیوه تحلیل مضمون استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش زائران ایرانی و عراقی که شامل انواع طیف‌های سنی و جنسی که در مسیر پیاده‌روی از نجف تا کربلا در مدت ۱۰ روز قبل از اربعین حضور دارند. روش نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی از نوع هدف‌مند و حجم نمونه نیز به سطح اشباع نظری سؤال‌های تحقیق بستگی دارد. اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که محقق به این نتیجه برسد که در یک مرحله از کار به مفاهیم و پاسخ‌های مشابه دست یافته و مفاهیم جدیدی ظهور نیابند (استراوس و کرین، ۱۳۹۱). انجام مصاحبه‌ها براساس نمونه‌گیری هدفمند با پوشش انواع طیف‌های سنی، جنسی از هر دو

گروه ایرانیان و عراقی‌ها تا رسیدن به حد اشباع نظری ادامه یافت. بر همین اساس، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از ۳۰ نفر، گرفته شده و با توجه به اینکه بعد از مصاحبه بیستم پاسخ‌ها مشابه داده شده است، این نتیجه گرفته شد که به حد اشباع نظری رسیده است. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه عمیق همراه با مشاهده مشارکتی می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

جدول (۱): اطلاعات توصیفی مصاحبه‌شوندگان

فراوانی	متغیر	
۱۷	زن	جنسیت
۱۳	مرد	
۱۵	ایرانی	ملیت
۱۵	عراقی	
۱۶	زیر ۳۵ سال	سن
۱۴	بالای ۳۵ سال	
۸	یکبار	تعداد حضور در پیاده‌روی
۲۲	بیش از یکبار	
۳۰	مجموع مصاحبه‌شوندگان	

یافته‌های تحلیلی

در مرحله کدگذاری محوری، مفهوم هویت به عنوان مفهوم محوری تعیین شده است و سپس در مرحله کدگذاری انتخابی یا گزینشی ارتباط سایر مفاهیم به دست آمده در قالب مقولات و طبقات با مفهوم محوری مشخص شده است. با توجه به مفاهیمی که از تحلیل مصاحبه‌ها و مشاهدات مشارکتی استخراج شده و در قالب مدل مفهومی نمایش داده شده‌اند. حال بر اساس نتایج تحلیل داده‌ها به سؤالات اصلی تحقیق پاسخ داده می‌شوند:

(۱) الگوهای هویت ابراز شده از پیاده‌روی اربعین توسط زائران چگونه الگوهایی هستند و به عبارت دیگر، مؤلفه‌های الگوهای هویت ابراز شده توسط زائران ایرانی و عراقی چه مؤلفه‌هایی هستند؟ نتایج تحقیق نشان داد زائران در طول مسیر پیاده‌روی سه نوع هویت را از خود نشان داده‌اند که عبارت‌اند از: هویت ملی، هویت شیعی و هویت اربعینی. اگرچه هرکدام از این سه گونه هویت مؤلفه‌های خاص خود را دارند که سبب وجه تمایز آنهاست اما در عین حال نتایج نشان داده است که پیاده‌روی اربعین سبب شکل‌گیری نوع جدیدی از هویت فراتر از مرزهای ملی شده است که سبب پیوند عاطفی میان زائران ایرانی و عراقی شده است که همان هویت اربعینی است و زائران هنگام برجسته‌سازی و ابراز این هویت، تفاوت‌های ملیتی میان خود را کنار گذاشته و سعی در نزدیک شدن به یکدیگر از طریق اتحاد حسینی دارند. به عبارت، بهتر هویت اربعینی با نوعی اشراف بر دو هویت دیگر سبب پیوند میان زائران فراتر از تمایزها می‌گردد.

(۲) چه عواملی بر الگوهای ابراز هویت زائران در پیاده‌روی اربعین تأثیرگذارند و چگونه این تأثیرات را می‌گذارند؟ در نتیجه، تحلیل داده‌های کیفی تحقیق حاضر همچنین به دسته‌ای از عوامل مؤثر بر ابراز هویت رسیدیم که عبارت‌اند از ۱. متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، ملیت و تعداد دفعات حضور در پیاده‌روی اربعین) و ۲. قدرت (رسانه، مرجعیت و حاکمیت) که قدرت سیاسی (حاکمیت) و رسانه عوامل مهم در تمایزبایی و هویت‌یابی دانسته شده است علاوه بر این دو مؤلفه به عامل قوی‌تری در این زمینه که همان مرجعیت است که در جامعه شیعی نفوذ و قدرت خاصی دارد، دست یافته‌ایم. این مؤلفه از طریق اعمال فتوا، سبب تقویت شکل‌گیری هویت و به خصوص هویت اربعینی در میان زائران می‌گردد. در ادامه این بخش توضیح هر یک از این مفاهیم و مؤلفه‌های آنها آمده است.

الف) هویت ملی: هویتی که نشان دهنده ملیت زائر می‌باشد. طبق یافته‌های مصاحبه‌ها و مشاهدات ابعاد این هویت عبارت‌اند از: زبان، پوشش سرزمین، نژاد، ارزش‌ها و ذائقه غذایی. زبان: شیعیان عراق به یک زبان واحد عربی صحبت می‌کنند و اهمیت ویژه‌ای به زبان خود می‌دهند. از زبان عربی استقبال می‌کنند و دوست دارند که در طول مسیر، زائران به زبان عربی صحبت کنند. این علاقه آنها به زبان ملی خود تعلق خاص آنها را به کشور و ملیت خود را

نشان می‌دهد از آنجایی که ایرانی‌ها به زبان‌ها و گویش‌های مختلف صحبت می‌کنند، تشخیص ملیت آنها از روی زبان سخت و مشکل هست. از این منظر، می‌توان نتیجه گرفت که زبان یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت ملی عراقی‌هاست. برای مثال، دعا ۲۵ ساله می‌گوید: «خوشحال می‌شوم که یک ایرانی در حدّ توانش عربی حرف بزند. اگر توی مسیر همه به زبان عربی صحبت کنند، اینطوری خیلی خوبه، ولی هرکس با زبان خودش صحبت می‌کند و نمی‌تونند عربی حرف بزنند.»

پوشش: پوشش به وجه تمایز بین زائران ایرانی و عرقی از روی ظاهر اشاره دارد. هر کشور پوشش مخصوص به خود دارد. زائران وقتی که با پوشش خاص کشور خود در این مسیر حضور پیدا کنند، تعلق خاص خود را به کشور خود نشان می‌دهند و این تعلق نشان دهنده ابراز هویت ملی آنهاست. سمیر ۴۸ ساله می‌گوید: «هر کشوری لباس خودش را دارد، یعنی زنان ما عبا سر می‌کنند و از جلو باز هست مشکلی توش نیست، ولی عبای زنان ایرانی فرق می‌کند. همه محترم هستند چه ایرانی، عراقی یا افغانی باشد.»

سرزمین: در این بعد، پرچم و پول نماد سرزمین قرار داده شد. هم زائران ایرانی و هم زائران عراقی پرچم کشور خود را حین پیاده‌روی با افتخار بلند می‌کنند و روی سردر موبک‌ها یا ابتدای دسته‌های عزاداری پرچم کشور خودشان را قرار می‌دهند و به این شکل، ابراز وجود از خود نشان می‌دهند. این نشان دهنده تعلق آنها به کشور خودشان را نشان می‌دهد. می‌توان گفت یکی از مؤلفه‌های هویت ملی آنها به‌شمار می‌آید. نورا ۴۱ ساله چنین می‌گوید: «به پرچم افتخار می‌کنیم. چون پرچم نشان‌دهنده سرافرازی هر کشوری هست و ما به پرچم عراقی افتخار می‌کنیم و آن را نشان دهنده کشورم به‌شمار می‌آوریم. اگر ایرانیان پرچم کشور خودشان را عکس‌های مشاهیرشان را حمل کنند، هیچ منع و مشکلی نداریم چون هر انسانی هدف خاص خودش را دارد.»

ارزش‌ها: حمل عکس‌هایی از رهبری و شهدا و همچنین شعارها و صحبت‌های رهبری توسط ایرانی‌ها در مسیر و این کار را جزء ارزش‌های کشور خود به‌شمار می‌آورند، می‌توان این نوع ابراز تعلق به کشور خود را نوعی ابراز هویت ملی آنها به‌شمار آورد. مرضیه ۵۶ ساله از تهران چنین می‌گوید: «ولی این دفعه دوست داشتم پیاده پیام عکس شهید حججی را بیارم.» از

جمله ارزش‌هایی که نزد عراقی‌ها طبق مصاحبه‌ها و مشاهدات به آن دست یافته‌ایم، به‌عنوان کشور میزبان، طریقه خاص و منحصر به فرد میهمان‌نوازی آنها و ارزش و اهمیت خاصی که به زائر می‌دهند می‌باشد. مهند ۴۸ ساله می‌گوید: «من هیچ زائری غیر از ایرانی را به خانه نمی‌برم. اولاً هوا سرد است. عراقی اینجا آشنا و فامیل دارد، می‌تواند به زبان عربی صحبت کند می‌تواند راهی برای خودش پیدا کند همه فامیل‌های ما که از جنوب می‌آیند ما را می‌شناسند، می‌دانند کجا بروند؛ ولی خارجی و ایرانی وقتی بیاید و او را بیرون ببینی که اینجا نه فامیل نه آشنایی دارد، خیلی برای من سخت است که بگذاریم بیرون بخوابند، هوا سرد است می‌بینم که خارجی از شدت سرما به دیوار لم کرده و به خود می‌لرزد، قبلاً هوا خیلی سرد بود الان هوا کمی گرم شد. اینها کسی را ندارند، زائر ایرانی کسی را اینجا نمی‌شناسد، غریب هست از منطقه و کشور من چه می‌داند. میهمان من و میهمان کشور من هست.»

نژاد: نژاد اشاره به اهمیت دادن به هم‌وطن و همشهری خود دارد. در طول مسیر، دیده شده است که بعضی از ایرانی‌ها یا موکب‌های ایرانی هم از دید ایرانی‌ها و هم از دید عراقی‌ها، به هم‌وطن و بیشتر به همشهری و هم‌استانی خود بیشتر اهمیت می‌دادند و خدمات خود را به آنها ارائه می‌کنند و این باعث دلخوری بعضی زائران شده است. این تفرقه گذاشتن و مهم و ارزشمند دانستن هم‌وطن یا همشهری خود نوعی اهمیت به نژاد خود می‌باشد. بهروز ۴۳ ساله اهل همدان چنین می‌گوید: «والله به حال ما فرقی نداره، ولی از لحاظ محبتی، عراقی واقعاً محبت کردند، واقعاً سنگ تمام گذاشتن. ایرانیا فرق می‌زارن، هر شهری مخصوص به شهر خودش، زائر دیگه‌ای را راه نمیدن. چون ما از این برخوردار دیدیم، حتی درگیر هم شدیم، گفتیم بابا همه زائرن. یه عراقی داره از ما استقبال می‌کنه، شما که هم‌وطن ما هستی جا به ما نمیدی.»

ذائقه: مفهوم جدیدی از مؤلفه‌های ملی که براساس مصاحبه‌ها و مشاهدات به‌خصوص نزد ایرانی‌ها در این پژوهش به آن رسیدیم ذائقه می‌باشد. تمایل بیشتر ایرانیان به غذای ایرانی و رفتن به موکب‌های ایرانی برای صرف غذا و ناپسند دانستن غذای عراقی‌ها تعلق آنها را به کشور خودشان نشان می‌دهد. حشمت‌الله ۶۷ ساله در مورد ذائقه ایرانی‌ها چنین می‌گوید: «طبع و مزه غذای عراقی را ایرانیا زیاد نمی‌پسندند. مثلاً یه نمونه‌اش قیمة ایرانی. قیمة ایرانی بهتره یا قیمة عراقی که مثلاً لپه‌اش را چرخ می‌کنند، نمی‌خورند این چیزی را.»

ب) هویت شیعی: هویت شیعی در اصل جزئی از هویت دینی می‌باشد. در اینجا به دلیل اشتراک زائران ایرانی و عراقی در مذهب شیعه، این هویت به‌عنوان هویت شیعه بیان شده است. هویت شیعه طبق یافته‌های مصاحبه‌ها و مشاهدات شامل: حجاب، ارزش‌ها و نمادها می‌باشد. حجاب: در این تحقیق، حجاب از منظر پوشش زنان مورد بررسی قرار گرفته است. پوشش متناسب با مسیر و همچنین تفاوت در حدود رعایت حجاب از دید ایرانی‌ها و عراقی‌ها بیان می‌شود. الهه ۲۲ ساله می‌گوید: «خانمای عراقی از همه لحاظ پوشیده‌تر هستند. اما لباس و پوشششان از لباس ایرانیا سخت‌تره، خیلی بیشتر هم سخت می‌گیرند. به نظر من، خانم‌ها همان در حد همان چیزی که اسلام از شون خواسته هیچ مشکلی نداره. حالا بعضی از خانما اگه پابره‌نه بیان، اگه جوراب پاشون باشه خیلی بهتره».

ارزش‌ها: ارزش‌ها در هویت شیعی، به احساس افتخار کردن به شیعه بودن در بین زائران ایرانی و عراقی اشاره می‌کند. کاظم ۳۸ ساله اهل نجف چنین می‌گوید: «نه هیچ مشکلی نیست، ما همه برادریم، ایرانی که آمده شیعه است، دوستدار علی ابن ابیطالب، دوستدار حسین هست. ایرانی از یک مسیر دیگر نیامده تو مسیر ما هست، در مسیر حسین هستند. مسیر یکی هست فرقی نمی‌کند؛ ایرانی، عربستانی، بحرینی، شیعه و موالی علی ابن ابیطالب یکی هست».

نمادها: نمادهایی که در اینجا هویت شیعی زائران را نشان می‌دهند حمل پرچم‌ها و شعارهایی که مربوط به امام زمان می‌باشد. همچنین هدف قرار دادن زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان از آمدن به این مسیر جزء هویت شیعی به حساب می‌آید. اکبر ۴۹ ساله هدف از آمدن به پیاده‌روی را اینگونه بیان می‌کند: «هدفمون همینه که این راهپیمایی ان‌شاءالله ظهور امام زمان باشه».

ج) هویت اربعینی: هویت اربعینی یک مفهوم جدیدی که در برگیرنده نوعی از هویت است که وابسته به یک برهه زمان است. هویت ملی و هویت شیعی همیشه با افراد هست ولی هویت اربعینی اختصاص به یک زمان و مسیر خاصی می‌باشد. افراد این هویت را در برهه زمانی اوایل صفر تا روز بیستم صفر در مسیر نجف تا کربلا با ملیت‌های مختلف و ورای هویت‌های ملی از خود نشان می‌دهند. طبق یافته‌های مصاحبه‌ها و مشاهدات انجام گرفته، هویت اربعینی شامل پوشش، مناسک، اتحاد حسینی، ارزش‌ها و نمادها می‌باشد.

پوشش: طبق مشاهدات انجام‌شده، پوشش زائران، به‌خصوص زائران عراقی، از بزرگ و کوچک، به رنگ مشکی می‌باشد که از دید آنها رنگ خاص این ایام و نوعی ابراز احترام و ارادت به امام حسین(ع) به حساب می‌آورند. همچنین پوشیدن لباس علی‌اصغر به کودکان و پوشش لباس سبز که نشانه پوشش اهل بیت در کاروان پیاده‌روی و قرمز به نشانه پوشش یزیدیان که همراه اهل بیت در کاروان بودند، در مسیر که به حالت پیاده‌روی تعزیه اجرا می‌کردند و کاروان اهل بیت را در مسیر برای زائران تجسم می‌کردند.

مناسک: آداب و رسوم مربوط به ایام اربعین می‌باشد که شامل زیارت، تعزیه، نذری دادن، شستن پای زائران است. تفاوت‌ها در نوع سوگواری‌ها قابل مشاهده است. برای مثال، هوسات مربوط به سوگواری عراقی‌ها و نوعی نوحه‌خوانی ایرانی که مربوط به ایرانی‌ها می‌باشد.

اتحاد حسینی: منظور از اتحاد حسینی هدف مشترک زائران می‌باشد که همان حضور در پیاده‌روی اربعین و رسیدن به کربلا و ابراز ارادت به امام حسین(ع) می‌باشد. دعا ۲۵ ساله می‌گوید: «ما اینجا همه شیعه هستیم و همه یک هدف داریم و به یک مقصد داریم می‌رویم پس همه چیز در اینجا غیر از عشق به امام حسین معنی ندارد. راه، راه امام حسین و فرقی نمی‌کند که از کجا آمده‌ای».

ارزش‌ها: شامل عقاید عراقی‌ها به پیکره‌ها و گهواره و آسیاب حضرت زهرا (س) که در طول مسیر وجود داشتند که عراقی‌ها به‌خصوص زنان برای حاجت روا شدن از آنها تبرک می‌جستند و برای آنها ارزشمند بودند. کاظم ۳۸ ساله می‌گوید: «پیکره‌ها زائران را به یاد اسارت اهل بیت و مظلومیت آنها می‌اندازد. یک نوع تمثال است. جو مسیر را حزین می‌کند. بیشتر عراقی‌ها به سمت آنها می‌روند. چون اینها بیشتر به عقاید ما برمی‌گردد بعضی ایرانی‌ها این پیکره‌ها را تا به حال ندیده اند و از ما سؤال می‌کنند».

نمادها: نمادها شامل پرچم‌های یا حسین و سربندهای حسینی و حتی خود پیاده‌روی نمادی از هویت اربعینی می‌باشد.

عوامل مؤثر بر ابراز هویت نیز براساس تحلیل مصاحبه‌ها و مشاهدات عبارت‌اند از:

الف) متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، ملیت، تعداد دفعات حضور در اربعین)

- سن: برای مثال می‌توان گفت به‌نظر می‌رسد هرچه که سن زائر بیشتر بوده است، هویت

اربعین بارزتر بوده و هرچه سن کمتر باشد هویت ملی بارز هست.

- جنس: هویت شیعی در بین زنان بیشتر از مردان و هویت ملی در مردان بیش از زنان مشاهده شد.

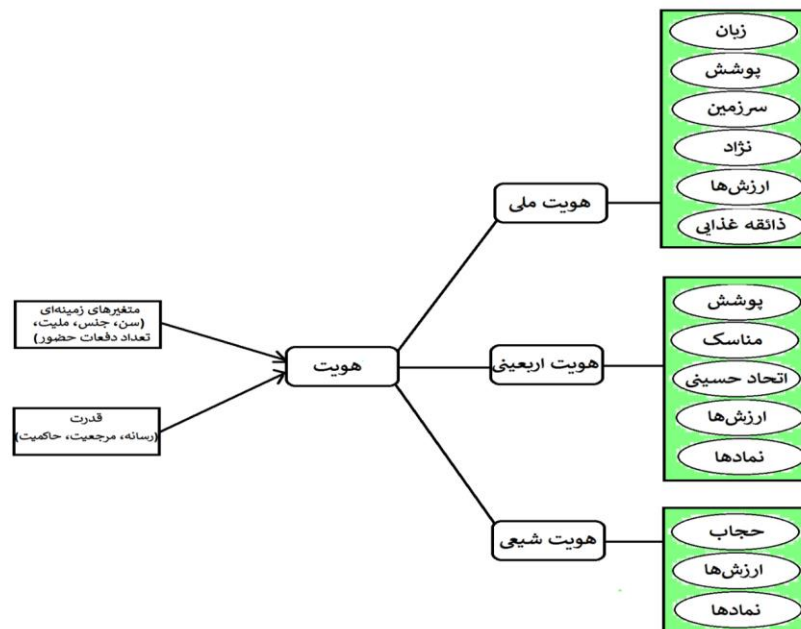
- ملیت: هویت ملی در میان عراقی‌ها، به دلیل عجین شدن با هویت شیعی و نوع پوشش و زبان چندان بارز نبود اما در میان ایرانی‌ها، هویت ملی از هویت شیعی قابل تشخیص بود.

- تعداد دفعات حضور در پیاده‌روی: این متغیر از مهم‌ترین متغیر زمینه‌ای مؤثر در هویت بود، چراکه هر چه تعداد دفعات حضور بیشتر بود هویت اربعینی برجسته‌تری نشان می‌داد.

ب) قدرت (رسانه، مرجعیت، حاکمیت)

منظور از مفهوم قدرت یک عامل سوق‌دهنده به ابراز الگوی هویتی است که از سه طریق این قدرت خود را اعمال می‌کند؛ به‌گونه‌ای که در میان ایرانی‌ها از طریق رسانه و تبلیغات رسانه و در میان عراقی‌ها با مرجعیت و فتوای مراجع صورت می‌گیرد. در رابطه با قدرت حاکمیت می‌توان گفت به‌عنوان یک قدرت منع‌کننده یا تسهیل‌کننده از طریق اجبار و الزام یا فراهم کردن شرایط شرکت در پیاده‌روی بر ابراز هویت اربعینی تأثیرگذار است.

مدل مفهومی تحقیق



نتیجه‌گیری

اربعین و آئین پیاده‌روی در آن، امروزه شیعیان فراوانی را از سراسر دنیا برای زیارت امام حسین(ع) به خود جذب می‌کند. این واقعیت پیچیده درعین حال که نمود عشق شیعیان به مولای خود حسین بن علی(ع) است باز نمودی از هویت‌های گوناگون زائران مختلف است. مسئله اصلی تحقیق حاضر یا همان دغدغه ذهن محقق آن بود که دو گروه اصلی این زائران، یعنی عراقی‌ها به‌عنوان میزبان و ایرانیان به‌عنوان پرجمعیت‌ترین زائر میهمان، چگونه هویت خود را در طول این مسیر ابراز می‌کنند. بر همین اساس، هدف تحقیق حاضر بررسی الگوهای ابراز هویت در این آئین به روش کیفی بوده است، چراکه بررسی «چگونگی» الگوی ابراز هویت مستلزم یک پژوهش کیفی بود تا این الگوها از دل مصاحبه‌های عمیق با زائران استخراج گردد و در قالب یک مدل نمایش داده شود. در تحقیق حاضر، محقق علاوه بر انجام مصاحبه‌های باز و عمیق با زائران ایرانی و عراقی، خود نیز با درک تجربه زیسته پدیده پیاده‌روی اربعین و مشارکت همدلانه با موارد مطالعه، به مشاهده مشارکتی اقدام نموده و نتایج مشاهدات را در قالب داده‌های کیفی و توصیفی بیان نموده است. به دلیل ماهیت کیفی تحقیق، نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده است و محقق سعی نموده است تا بیشترین تنوع را از لحاظ سنی، جنسی، ملیت و تعداد دفعات حضور در پیاده‌روی را رعایت نماید. حجم نمونه از ابتدای تحقیق مشخص نبود و فرایند نمونه‌گیری تا زمان اشباع نظری، یعنی دریافت داده‌های تکراری، ادامه یافت تا در نهایت حجم نمونه به ۳۰ نفر رسید که از مورد بیستم به بعد شاهد داده‌های تکراری بودیم. در این تحقیق به منظور تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق از روش کیفی تحلیل مضمون و در طی سه مرحله کدگذاری انجام شده است که عبارت‌اند از ۱. کدگذاری باز به معنای شکستن و تجزیه متن و استخراج مفاهیم، مقولات و طبقات از آن، ۲. کدگذاری محوری که در آن، مقوله محوری که همان هویت مفهومی که براساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها تعریف می‌شود تعیین شده است و ۳. کدگذاری انتخابی که ارتباط سایر مقولات و طبقات به‌دست آمده از مرحله کدگذاری باز با مقوله هویت مشخص شده است که این رابطه به دو گونه بوده است: الف) ابعاد هویت که عبارت‌اند از هویت ملی، هویت شیعی و هویت اربعینی و ب) عوامل مؤثر بر هویت که عبارت‌اند از متغیرهای زمینه‌ای و قدرت. حال براساس کدگذاری انجام شده و نتایج تحلیل

داده‌ها به سؤالات اصلی تحقیق پاسخ داده می‌شود: ۱. الگوهای هویت ابراز شده از پیاده‌روی اربعین توسط زائران چگونه الگوهایی هستند و به عبارت دیگر، مؤلفه‌های الگوهای هویت ابراز شده توسط زائران ایرانی و عراقی چه مؤلفه‌هایی هستند؟ نتایج تحقیق نشان داد زائران در طول مسیر پیاده‌روی سه نوع هویت را از خود نشان داده‌اند که عبارت‌اند از: هویت ملی، هویت شیعی و هویت اربعینی. ۲. چه عواملی بر الگوهای ابراز هویت زائران در پیاده‌روی اربعین تأثیرگذارند و چگونه این تأثیرات را می‌گذارند؟ در نتیجه تحلیل داده‌های کیفی، تحقیق حاضر همچنین به دسته‌ای از عوامل مؤثر بر ابراز هویت رسیدیم که عبارت‌اند از ۱. متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، ملیت و تعداد دفعات حضور در پیاده‌روی اربعین) و ۲. قدرت (رسانه، مرجعیت و حاکمیت) که قدرت سیاسی (حاکمیت) و رسانه. با توجه به تحلیل کارکردگرایی پارسونز و دورکیم از دین که سبب می‌شود «من» تحت الشعاع «ما» قرار گیرد، که این «ما» معرف هویت جمعی است، می‌توان هویت اربعینی را همان عامل اتحاد و هویت جمعی زائران دانست. همچنین دورکیم بر دو مؤلفه باورها و مناسک، که سبب نوعی رابطه عاطفی و انسجام اجتماعی می‌شود، به عنوان مؤلفه‌های اصلی این هویت جمعی تأکید کرده است. «هویت اربعینی» مفهوم جدیدی است که در تحقیق حاضر بدان رسیدیم و با توجه به نتیجه تحلیل مصاحبه‌ها و مشاهدات مشارکتی مشخص شد که اینگونه از هویت فراتر از هویت شیعی و هویت ملی زائران قرار داشته و در برهه زمانی خاصی و وابسته به مسیر پیاده‌روی اربعین از سوی زائران بروز یافته است. مؤلفه‌های این هویت عبارت‌اند از: پوشش، مناسک، ارزش‌ها، نمادها و اتحاد حسینی. مفهوم جدید «اتحاد حسینی» اشاره به جنبه متحدگونه این نوع از هویت دارد که آن را به نوعی هویت جمعی تبدیل می‌سازد و درعین حال، هویت‌های ملی و شیعی را در درون خود جای می‌دهد. همان‌گونه که جنکینز هم معتقد است که هویت جمعی از هویت فردی جدا نیست یعنی افراد متفاوت در قالب یک هویت جمعی و شباهت جمعی درمی‌آیند که همان هویت اربعینی است. دیجک هم بر این باور است که در عصر حاضر، افراد به دنبال هویت‌یابی در فراتر از مرزهای جغرافیایی هستند، می‌توان گفت، هویت اربعینی در اینجا یک هویت فراملی است. با توجه به اینکه هویت اربعینی وابسته به موقعیت مکانی و زمانی می‌باشد و در زمان و مکان مشخص از طرف زائران ابراز می‌شود (ده روز قبل از اربعین در مسیر نجف - کربلا)، این

هویت وابسته به موقعیت همان «هویت برجسته» استرایکر است که در شرایط خاص نسبت به سایر هویت‌های موازی فرد برجسته‌تر می‌گردد. به عبارت دیگر و براساس نظریه اسمیت لُوین، فرد دارای سه هویت ملی، شیعی و اربعینی، به صورت «مخلوط» است که با توجه به موقعیت خاصی یکی از آنها را برجسته می‌سازد. در نتیجه تحلیل داده‌های کیفی تحقیق حاضر همچنین به دسته‌ای از عوامل مؤثر بر ابراز هویت رسیدیم که عبارتند از ۱. متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، ملیت و تعداد دفعات حضور در پیاده‌روی اربعین) و ۲. قدرت (رسانه، مرجعیت و حاکمیت) که مفهوم قدرت در هویت را می‌توان با استفاده از نظریه دیجک تأیید نمود که قدرت سیاسی (حاکمیت) و رسانه را عوامل مهم در تمایزبایی و هویت‌یابی می‌داند که در این تحقیق علاوه بر این دو مؤلفه به عامل قوی‌تری در این زمینه که همان مرجعیت است که در جامعه شیعی نفوذ و قدرت خاصی دارد، دست یافته‌ایم. این مؤلفه از طریق اعمال فتوا سبب تقویت شکل‌گیری هویت و به خصوص هویت اربعینی در میان زائران می‌گردد.

آنچه را که می‌توانیم نتیجه کلی تحقیق حاضر بنامیم، این است که پیاده‌روی اربعین سبب شکل‌گیری نوع جدیدی از هویت فراتر از مرزهای ملی شده است که سبب پیوند عاطفی میان زائران ایرانی و عراقی شده که همان هویت اربعینی است و زائران هنگام برجسته‌سازی و ابراز این هویت، تفاوت‌های ملیتی میان خود را کنار گذاشته و سعی در نزدیک شدن به یکدیگر از طریق اتحاد حسینی دارند.

منابع

- استراوس، آنسلم؛ کرین، جولیت (۱۳۹۱)، *مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)*، ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نی.
- استیس، والتر (۱۳۶۷)، *عرفان و فلسفه*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- اشرفی، ابوالفضل (۱۳۷۷)، «بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- آذربایجانی، مسعود؛ شیرازی، علی؛ الواسانی، محمدرضا و حبیبی، مرتضی (۱۳۹۵)، *تجربه دینی و فرهنگ اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم.

- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، «تحول خودآگاهی‌ها و هویت‌های سیاسی در ایران»، *مطالعات مکی*، سال ۳، شماره ۱(۲۳)، بهار.
- توکلی، یعقوب (۱۳۹۵)، *اربعین در گذر زمان*، ستاد مرکزی اربعین کمیته فرهنگی و آموزشی.
- جمشیدیها، غلامرضا؛ قنادی، علیرضا (۱۳۸۶)، «تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا»، *مجله تاریخ اسلام*، شماره ۲(۱۳)
- جنکیز، ریچارد (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- جنکیز، ریچارد (۱۳۹۴)، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: پردیس دانش.
- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۴۶)، *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، تابستان.
- خالدی، سمانه (۱۳۹۳)، «رفتار جمعی»، سایت پژوهشکده باقرالعلوم.
(-Collective-Behavior__a-33304.aspx)
- رضوی‌زاده، ندا (۱۳۹۳)، « ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران*، زمستان.
- عبداللهی، محمد، *جامعه‌شناسی بحران هویت*، نامه پژوهش، شماره ۲(۱۵)
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۶)، *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران: نی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، *جهانی شدن فرهنگ و هویت*، تهران، نشر نی.
- موسوی، سیدمحمد و همکاران (۱۳۹۵)، «تأثیر برگزاری مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی در کشور و افزایش شور و اشتیاق بین مردم و بخصوص نوجوانان و نقش سازنده آن بر روی تربیت نسل ارزشی در کشور»، *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تابستان، شماره ۲(۲۴)
- میلر، دلبرت (۱۳۸۰)، *راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
- هرسنی، صلاح‌الدین (۱۳۹۰)، *مطالعات علوم‌سیاسی و سیاست بین‌الملل*، تهران: نی
- یگانه، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۲)، «رسانه‌های جمعی جهانی و هویت دینی در جوانان شهر شیراز»، *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، شماره ۳(۱۴)
- Smith-Lovin, L. (2001), *Role-Identities, Action and Emotion: Parallel Processing and the Production of Mixed Emotions. in Self and Identity: Personal, Social, and Symbolic*, edited by K. Yoshihisa and M. Foddy, New York: Erlbaum
- Jakobson, T.(1998), *Antropdoy ethnology and religion the encyclopedia of Relion*.

- Stryker, S. (1968), "Identity Salience and Role Performance: The Relevance of Symbolic Interaction Theory for Family Research", *Journal of Marriage and Family*, 30(4): 558
- Andrew;Thompson, (2001), National Identities and human agency the sociological Review(49)1
- Kath ;Woodward (2000), Questioning identity: Gender, class, nation, Routledge, the open university.